



۲۰۲۳.۰۵.۲۲

سید عظیم حسینی

## درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی

### قسمت دوم

تدابیری که در جهت انسجام امور اقتصادی و بهبود صادرات با استقرار حکومت جدید در اواخر سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹)، اتخاذ گردید باعث یک سلسله تحولات در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی شد و به عامل تحركاتی نسبتاً مثبت بعدی مبدل گردید. گرچه امیر حبیب الله خان و امان الله شاه هر یک به سهم خویش در ساخت و ساز سرک های موتررو که پایتخت را به شهرهای بزرگ افغانستان مانند قندهار و هرات و جلال آباد وصل میکرد اقدام نموده بودند اما کابل با ولایات شمالی کشور بنابر موجودیت قله های بلند و صعب العبور کوه هندوکش که مانع بزرگی را در برابر سرک سازی ایجاد نموده بود از راه موتررو وصل نگردیده و مشکلات زیادی در حمل و نقل و مبادله کالاها موجود بود. محمد نادر شاه و محمد هاشم صدراعظم با عطف توجه در رفع این مشکل، میرزا محمد خان یفتلی وزیر تجارت وقت را موظف به تکمیل این پروژه نمودند. در نتیجه جاده موتررو دره شکاری، راه موتررو بطرف شمال کشور که در دوره امانیه طرح شده بود به پایه اکمال رسید و به این ترتیب دولت افغانستان توانست بعد از قرنهای بر ساحات شمال کشور مسلط گردد. "فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر ج ۱". با احداث این شاهراه که قلب کشور یعنی شهر کابل را با مناطق شمال وصل میکرد نه تنها زمینه های رشد تجارت، مبادله امتعه تجارتي و انتقالات را در مجموع در داخل کشور مهیا ساخت بلکه نقش مهمی را در انکشاف تجارت خارجی افغانستان بازی کرد و موازی به آن زمینه های انکشاف اقتصادی ولایات

شمال کشور بویژه انکشاف زراعت دربخش پنبه ولبلبو وایجاد صنایع مربوط به آن نیزمساعد گردید. بدین ترتیب "تحول جدی در امور ساختمانی و سرکسازی در افغانستان پدید آمد، دولت در ارتباط بهتر مرکز با ولایات وجود راه های سرتاسری را در افغانستان لازمی و حتمی پنداشت و راه های که تا آن وقت وجود داشت به کمک مهندسان و آلات و ابزار بیشتر سرکسازی به صورت صحیح و پخته تحت ساختمان گرفت، جهت پیشرفت درین امور مهم وزارت فوائد عامه در زمره دیگر وزارتخانه ها بنیاد گذاشته شد و نخستین وزیر فوائد عامه الله نواز خان مقرر گردید. ازکارهای مهم دیگر دربخش سرک سازی ووصل شهرهای کشور، تکمیل سرک حلقوی افغانستان در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر بود که کار احداث آن در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) شروع و در ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) به پایه اکمال رسید. با اکمال این پروژه عام المنفعه، شهر کابل به شکل حلقوی به خان آباد، مزار شریف، میمنه، هرات، فراه و قندهار با هم وصل گردید. متعاقب آن سرک قندهار - سپین بولدک بطول ۱۰۳ کیلومتر و عرض ۵/۸ متر نیز تکمیل گردید که تسهیلات زیادی منجمله کاهش قیمت های ترانسپورتهی رادر استای نقل و انتقال کالاهای تجارتهی ایجاد کرد. همچنان سرک های حایز اهمیت درجه دوم در تجارت، بطول مجموعی ۵۰۰۰ کیلومتر تسطیح و هموار کاری شد. قابل ذکر است که هرات تا بالا مرغاب و از میمنه تا بالا مرغاب و از میمنه بطرف مزار شریف الی شبرغان و سرک دره شکاری پس از سالها زحمت و کار و با وسایل محدود سرکسازی در سال ۱۳۱۲ افتتاح و برای ترافیک آماده گردید. "شاغاسی، دوکتور محمد یعقوب، مجله تخصصی و مسلکی انجمن مهندسان وانجیران افغان شماره ۱ اول حمل" در آغاز این مرحله، تجارت خارجی بصورت منظم و به پیمانانه کافی که از آن احتیاجات اسعاری مملکت تامین شده بتواند وجود نداشت. یکی از مشکلات اصلی تجارت خارجی افغانستان در آنزمان این بود که بازار واردات و صادرات در بیرون مرزها و درکشور های همسایه قرار داشت و مفاد اصلی نصیب آنها بود که باید به این مشکل رسیدگی و نقطه انجام گذاشته میشد و پروسه سازماندهی وانجام فعالیت های صادرات و واردات به کشورهای مبدأ انتقال می یافت. ازجانب دیگر تهیه مواد مورد نیاز و روز افزون دولت افغانستان باید نظم پیدا کرده

و در تهیه آن سهولت ایجاد می‌گردید. معه‌ذا ایجاد اساسات صنایع مواد مصرفی مورد نیاز عامه در داخل کشور تا حد ممکن و همچنان تولید یکتعداد اقلام صادراتی، یک ضرورت حتمی بشمار میرفت. بنابر نبود دانش و تجارب اقتصادی، فقدان برنامه و پلان اقتصادی، عدم موجودیت نظام و موسسات مالی و بانکه‌ها، نبود قوانین و مقررات سرمایه گذاری، فرهنگ پائین سرمایه گذاری و عدم اطمینان اشخاص متمول و صاحب سرمایه در سرمایه گذاری، روند جلب و جذب سرمایه گذاریها را کدومتوقف بود. پول و سرمایه مانند گذشته از ترس دزدان پنهان و در همیانی‌ها در زمین و یا دیوار های منازل دفن و پول موجود مملکت بلا استفاده باقیمانده و به دوران انداخته نمی شد. پولهای کلان که در اختیار یکتعداد مردم قرار داشت صرف برای انباشت و مصارف شخصی تخصیص یافته بود و بدون آنکه ارزش اضافی ایجاد نماید خود بمصرف میرسید و صدمه غیر قابل جبران را به اقتصاد کشور وارد میساخت. دو لت نوپا بنابر عوامل مختلف در حل تمام این موضوعات بکلی عاجز و ناتوان بود، بناً درصد آن برآمد تا با استفاده از امکانات مردم و سکتور خصوصی به حل این قضایا بپردازد. محمد نادر شاه پس از تصاحب قدرت شخصاً از عبدالمجید زابلی (دوست شخصی محمد هاشم صدراعظم برادر شاه) تاجر و متشبت معروف افغانی که در جوانی به روسیه رفته و راه و رسم بازرگانی عصری را فرا گرفته و در هنگام اقامتش در مسکو توانسته بود امکانات و امتیازات بخصوص تجارتي را از دولت نو بنیاد اتحاد شوروی بدست آورده و سرمایه خوبی برای خود تدارک نماید، دعوت بعمل آورد تا جهت سروسامان بخشیدن اقتصاد از هم پاشیده کشور با دولت همکاری کند. وی در آنزمان در آلمان میزیست و به فعالیت های اقتصادی و تجارتي مصروف بود. موصوف پس از عودت به کشور و صحبت با یکتعداد از تاجران و سرمایه داران در ولایات مختلف، برنامه کاری خویش را در مورد انکشاف اقتصادی افغانستان ترتیب و برای شاه و صدراعظم تقدیم نمود و اعطای امتیازات خاص را مطرح نمود. عبدالمجید زابلی انحصار کامل معاملات اسعاری، در بخش توريد موتر، شکر، مواد نفتی، تامین کامل احتیاجات دولتی و در بخش صادرات، انحصار صادرات پشم، پنبه، پوست قره قل و همچنان استخراج معادن را مطرح نمود که

تمام این امتیازات از جانب حکومت به شرکت نوتاسیس اسهامی افغان تفویض گردید. از طرف دیگر تقاضا بعمل آمد تا دولت قیمت سهام شرکتی را که ایجاد میشد جهت تشویق یکتعداد از تاجران برسمیت شناخته و به شکل قرضه بدون مفاد به آنها اعتبار بدهد و آن به این معنی بود که دولت برای آنها در شرکت سهم خریداری نموده در اختیار شان بگذارد که این طرح نیز از طرف دولت بدون کدام مشکلی پذیرفته شد. عبدالمجید زابلی جهت تطبیق این برنامه بزرگ، رهبری گروه تجار و سرمایه داران را در افغانستان بعهده گرفت و زمینه ایجاد نخستین شرکت سهامی بزرگ تحت نام "شرکت اسهامی افغان" فراهم گردید. بعد از توافقاتی که بعمل آمد شرکت سهامی در سال ۱۳۰۹ (مارچ ۱۹۳۰) به سرمایه دولتی پنج ملیون افغانی توسط عبدالمجید زابلی تاجر هراتی با اشتراک سهامداران بنیان گذاری شد. بر اساس تفاهم و توافقی که بین دولت و سکتور خصوصی صورت گرفت وظایف این شرکت از نگاه انجام فعالیتها، اعم از مالی و پولی، اکمالاتی، تجارتي، صنعتی و معدنکاری در افغانستان نهایت وسیع، فراگیر و متنوع بود که در کشور و منطقه مثال نداشت. عبدالمجید زابلی با اتخاذ تدابیر همه جانبه، در بسیج نمودن و تشویق سکتور خصوصی به اقدامات عملی دست زد و در راستای بنیان گذاری و تشکل سیستم اقتصادی بر پایه سهم گرفتن هرچه بیشتر و گسترده تر سکتور خصوصی در انکشاف و توسعه اقتصادی کشور که حمایت همه جانبه دولت را با خود داشت گام های عملی برداشت. در مقابل این همه امتیازات (انحصاری) که در آن زمان یک بسته کامل فعالیت های اقتصادی کشور را تشکیل میداد، شرکت متعهد شد تا بر علاوه گسترش تجارت به ایجاد صنایع مبادرت ورزد. شرکت کار خویش را در سرای زرداد واقع در چته بازار پل خشتی (حالا تخریب گردیده) آغاز نمود و نخستین کارش انجام فعالیت داد و ستد پولی (صرافی) در افغانستان بود. بعداً تعمیر بزرگی در لب دریای خیابان کابل که از دستگاه تنویرات بود، به کرایه گرفته شد و فعالیت پول و بانکداری را بنام شرکت سهامی افغان دنبال کرد. حیطة صلاحیت ها و فعالیت شرکت بسیار وسیع بود و بر علاوه تجارت خارجی، اجازه مسایل مهمی مانند تمام خریداری های دولتی، مبادله پولی و صرافی، حق طبع اسناد قیمت دار

بشمول حق اولیت یا اشتراک در انحصارات آینده را از دولت به دست آورد. اسناد بانک ملی معهدا امتیاز و انحصار واردات مهم کشور چون شکر، موتر و پترول، و صادرات عمده مملکت چون پنبه و پشم و قره قل، را نیز در اختیار داشت که بسیار سود آور بود.

در واقع این نخستین اقدام در جهت آغاز ریفورم و انسجام بخشیدن اقتصاد کشور در چوکات یک برنامه تنظیم شده که در آن زمان بی مثال بود، میباشد که به ابتکاروی پس از عودت از آلمان، مطرح و عملی شد.

بدین ترتیب در تاریخ تجارت افغانستان از ۱۳۰۹ الی ۱۳۳۰ (مارچ ۱۹۳۰-۱۹۵۱) با عودت عبدالمجید زابلی از آلمان والی ختم وظیفه وی به حیث وزیر اقتصاد در سال (۱۹۵۱) که بنام دوره نهضت تجارتي افغانستان شهرت دارد، کاملاً یک صفحه نوینی باز میگردد. ویژه گی و اهمیت این دوره علیرغم کوتاهی زمانی آن که حدود بیست سال را احتوا مینماید، در آنست که برای نخستین بار در تاریخ تجارت کشور نظام اقتصادی برپایه مشارکت دولت (عامه) با سکتور خصوصی (Public Private Partnership) که در آن زمان کمتر شناخته شده بود، گذاشته شد.

ادامه دارد

---

د پانډو شمېره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ